

خط نظم بامت فتح و نظیر (بیتها) که در این معنی آمده و اینها را در این
علاقه میگویند و در بعضی از اینها که در این کتاب آمده است

در این کتاب و در بعضی از اینها که در این کتاب آمده است

مسجد جامع هرات

این مسجد از اماکن مقدس و ایشیه نازیخی افغانستان جامع شریف هرات است که بیش
از هفتصد سال است که به همین وضع بنا پای متانت و استواری بر زمین ایستاده
این معبد باستانی و این یادگار نفیس اسلامی از همان روزگاری که آفتاب
تابان اسلامیت از افق جزیره العرب طالع و کشور خراسان را با نوار قدسی
و مشعشع خود روشن و غبار ظلام اوهم و دخان تیره مجوسیت را از صفحه این
کشور کهسار زدوده : آتشگاهان را بمسجد و معابد تبدیل نموده این منزل
مبارک و این مقام متبرک بحیث مسجد جامع شناخته شده .

در روزی سی و هفت سال که هرات خراسان در سال ۲۳ هجری یعنی زمان خلافت
سیدنا حضرت عمر الفاروق رضی الله عنه بدست اجنبی بن قیس سپهسالار نامدار عرب فتح
کردیدند و در آنجا که اهالی سعادت مند آن یک آن زودتر در اثر تبلیغ و وعظ
مبلغین و مجاهدین شرف دیانت مقدس محمدی صلی الله علیه و آله وسلم مشرف
میشدند . آتشگاه جوار خود را مسجد و معبد اسلامی مینمودند ، دیری نگذشت
که بیشتر آتشگاه های خورد و بزرگ ، مسجد ، و بجای طاق آتشدان ؛ محراب
و بجای کرسی خطابه ، منبر ، قایم و باوقات معینه پنج گانه بجای آهنگهای
زند و سرود های اوستاو کاتها ؛ اعلاى کلمه الله و کلبانگ حی علی الصلوا
وحی علی الفلاح از صفحه غیر ابعالم بالاطنین انداز میشد . سعدی :

چو سیتمش در افواه دنیا فتاد نزلزل تر ایوان کسری فتاد
بلا قامت لات بشکت خورد یا عزیز دین آب عزیزی بیورد
نه از لات و عزیزی بر آورد کرد که تورات و انجیل منسوح کرد

از همان زمان آوان جامع موجوده که معبدی بزرگتر بود بحیث
 مسجد جامع انتخاب وعیدین وجمعه را درین مقام مبارک باذای نماز و عرض نیاز
 حضرت باری پیرداختند، سابق هروی بن، جمعه زیارات لیه نالک ۶۶۶
 ت و زاکنون تابعهد جامعیت معبد است این خاک
 مگر در امر کن مهد پرستش ساخت بزدانش
 قبل از بنای مرحوم ملک غیاث الدین طوریکه از قصه سلطان مجدالدین طالب
 وخواجه چرگر (۱) که در نفعات الانس حضرت جامی برمی آید این مسجد جامع
 شریف که بنای چوبین داشته و در اثر حادثه که معروف و در آن کتاب مسطور
 است به آتش سوخته و بعداً مسلمانان هرات بجای آن معبدی بزرگ جهت
 نماز جمعه ساخته بودند و این بنا نیز تا سال ۱۳۵۰ آباد بوده بقول اسفزاری در شب
 جمعه هشتم جمادی الاول سال مذکور در اثر زلزله شدیدی جانب غربی و قسمت
 بیشتر سمت شمالی این جامع شریف ویران گردید وهم در آنسال ترمیم شد و تا
 زمان مرحوم ملک غوری و برانه و مخروبه شده بود.
 بنای ملک غیاث الدین
 چون بنای موجوده جامع هرات از آثار خیریه سلطان مرحوم و مغفور
 ملک الجبال غیاث الدین محمد بن سام غور بست لازمست مختصر حالات این مرد
 بزرگ را در ذیل این سرچشمه فیوضات یعنی جامع سفاصفات هرات معرف شویم.
 سلاطین غوری آنانیکه در غور و هرات سلطنت نموده اند پنج تن بوده اند.
 چنانکه شاعری فرموده نظم:
 سلاطین که بگذشتند در غور
 خلف زو ماند سیف الدین محمد
 غیاث الدین محمد پور سام است
 که آمد از عدالت گیتی افروز
 بجنب جامع شهر هری شد
 مزارش مرجع مردم شب و روز

(۱) در دو نسخه قلمی نفعات الانس حضرت جامی که در دست است خواجه چرگر
 نگاشته است معنی چرگر مفهوم نشد ممکن چرخ گر یا چرم گر باشد. در نسخه الکرام
 خواجه محمد چرخ گر معرفی شده. (فکری) و در نسخه نالک ۶۶۶

شهاب‌الدین که بود او را برادر شهیدش ساختن الهادی بسد روز
 دیگر پور غیاث‌الدین که محمود شدش نام از مجاهد بهره افندوز
 مرحوم سلطان غیاث‌الدین محمد بن سلام برادرزاده علاء‌الدین جهانسوز است
 مرحوم غیاث‌الدین محمد بسال ۵۳۶ قمری در غور متولد شد از دوره صباوت
 و تحصیلات این مرد بزرگ اطلاعی ندارم بعد از شهادت ملک سیف‌الدین محمد
 پسر عمش بسال ۵۵۶ برابر سکه سلطنت غور جلوس نمود و با اتفاق برادرش
 معز‌الدین المشتهر بشهاب‌الدین ابوالعباس غوری قاتل ملک سیف‌الدین را
 دستگیر نموده بقتل رسانید که اقبال ملک روز بروز راه رفت و بلندی می‌پیمود
 تا در فرصتی اندک زمین‌داور و گرم سیر و بادغیس را متصرف شد بسال ۵۳۱ شهر
 هرات را فتح و در ۵۷۳ فوشنج را نیز بکشود و در سنه ۵۹۷ لشکر بدرواز
 شادیاخ نیشاپور کشیده در اثر حادثه عجیبی آن حصار را فتح نمود و این
 حادثه را مؤرخین چنین می‌نویسند که سلطان هنگام محاصره حصار شادیاخ
 اشاره به برجی نموده گفت از فلان برج تا فلان برج میتوان راهی کشود
 از اتفاق نیکو و اقبال ملک از جائیکه میفرمود فی الحال بروج فرود آمده
 شهر بتصرف ملک آمد سال دیگر بلده مرورا نیز فتح نمود بعد از آنکه
 دست تسلط بیگانگان را از دامن کشور کوتاه و ساخت کشور را از اجانب
 پاک نموده به تعمیر جامع شریف پرداخت در سال ۵۹۷ شروع به آبادی آن
 نموده گنبدی در نهایت بزرگی و نفاست و زیبایی جهت دفن خودش در شمال این
 معبد ترتیب و قبل از اتمام تعمیر جامع از تعمیر گنبد فراغت یافت متأسفانه این
 سلطان عادل قبل از اینکه به تکمیل مسجد جامع موفق آید بسال ۵۹۹
 حیات مستعار و جهان ناپایدار را بدرود گفته عازم خرم سرای جاودانی گردید
 جسد مبارکش را در جامع نا تمامش نماز بروی خوانده در آن مبارک بقعه
 دفن نمودند.

تکمیل تعمیر جامع هرات

بعد از وفات غیاث‌الدین محمد برادرش سلطان شهاب‌الدین غوری که
 کشور خراسان یعنی افغانستان قدیم را حراست می‌نمود بواسطه جنگ و جدل

متعرضین خراسان خصوصاً سلطان محمد خوارزمشاه از تکمیل جامع برادرش
 معروم ماند تا بعد از فتح هند سال ۶۰۲ در محل دهیک از نواحی غزنین بدست یکی
 از قداغیان ملاحده بشهادت رسیده برادرزاده اش غیاث الدین محمود پسر سلطان
 غیاث الدین کبیر در فیروز کوه بجای عم و پدر به تخت شاهی جلوس فرموده
 نخستین کار برای که استقبال نمود همانا تکمیل مسجد جامع هرات بود و در عصر
 آن پادشاه ابن جامع متبرک در کمال آبادی و زیبایی رسید
 نخستین و برانی جامع هرات
 قبل از آنکه از ویرانی این مقام مقدس سخنی بمیان آید بهتر است سبب ویرانی
 آن را برشته تحریر آریم و آن نیز ویرانی مدینه هرات است که در قبال هزاران
 کاخ و عمارات رفیعه و مساجد و معابد جامع هرات نیز ویران گردید و البته
 واقعه هایلله که قتل عام چنگیزیوش مینامند یکی از قضایای و قایعی است
 که صفحات تاریخ بشر چنین حادثه مشهور و بگری یاد آور نیست اکثر مورخین
 را عقیده بر آنست که پسر کوچک چنگیز نولی آن مدینه خجانت و فضولی بسال
 ۶۱۸ با عسکر جرار به تسخیر هرات آمده شهر هرات را محاصره نمود و ملک شمس الدین
 جوزجانی حاکم هرات اسباب محاصره و آلات حرب فراهم و آذوقه بسیار در شهر
 ذخیره نموده در راهها ریخته همواره نولی حبیث در مرغزار بشوران (۸) بود
 که زانپور نامی و ابظور ایلچی با چند تن از خواص نزد ملک شمس الدین فرستاده
 پیغام داد که میباید اطاعت و انقیاد خان را قبول کنی ملک شمس الدین
 افغان با غیرت در پاسخ گفت هرگز مباد که اطاعت کفار تا تار را قبول نمایم
 پس بفرمود تا زانپور ایلچی و همرا هاش را بقتل رسانیدند پس نولی نایک هر روز
 بمحاصره پرداخته عسکر غیور هرات نیز با سردار نامدار خود شمس الدین از در
 فیروز آباد بیرون میشدند و جدال و قتال سختی رخ میداد هفت روز توین متوال
 بگذشت روز هشتم ملک شمس الدین در اثر تیری بشهادت رسیده نولی اهالی
 را مخاطب ساخته سوگند خورد که با اهالی هرات مزاحم نشود و خراج اندک
 (۱) بحالی به بشران معروف است که قتل چنگیز و کتله آن که در این آت شهادت

از و شان حصول نماید بالاخره در اثر این بیمان بشهر درآمد و از اهالی شهر
دوازده هزار مـواخـواهان ملک را چهار قسمت نموده هر قسمتی را
در بیرون دروازه بشهادت رسانیدند و مغولان در شهر ناخته آغاز بیداد و جور
و خونریزی را نهادند . فریاد و فغان افغان نژادان بمالم بالا بالاشد نظم :
علم زد آتش ظلم اندرین بوم جهان تاریک شد از آه مظلوم
بر آمد ناله و شیون ز مردم نبود آن قوم را الا نرحم
و آنروز را تا خفتن بسکستن و ویران کردن پرداختند . آنکاه تولی فرمان
داد که کسی دیگر کشته نشود و ملک ابوبکر را والی و منگمتای را شهنه
هرات ساخته خودش به چنگیزی پیوست . القصه اهالی هرات منگمتای را در پای
حصار و ابوبکر را در بازار و بقولی بدرب مسجد جامع هرات بقتل رسانیدند و امیر
مبارزالدین نامی را که از فیروز کوه غور آمده بود بحکومت نصب نمودند چون
این خبر بسکوش چنگیزی رسید تولی را علامت نموده ایلچکدای را با چندین
هزار نفر بمحاصره و مقاتله هرات فرستاد و از طرفی هم از سایر نقاط افغانستان
یعنی شیرغان و غیره پنججا هزاران عسکر مسلح جوار بمدد هر و بان رسیده به آنان
پیوستند ایلچکدای هرات را محاصره نمود . هر روز جنگ خونین بین اجانبین
پیوسته چندین هزار کس بکس هلاک میافزادند تا روز جمعه دوم جمادی الاول
سنه ۶۱۹ قمری از برج خاک بر تپلی که به بروج خاک مشهور است داخل شهر
هرات گردیده بنای تاراج و قتل و سوختن و ویران کردن را گذاشتند . عمارات
زیبا و کاخهای عالی که هر یک رشک خوردنق و شر بر بودند با آتش جهالت سوخته
بر خاک یکسان گردیدند خورد و بزرگ پیرو بر تاختی شیر خواران و انبث
را بشهادت رسانیده مدت هفت روز بسکستن و سوختن و غارت نمودن پرداختند
چندانکه خزانه و جنبیده در هرات باقی نماند . ایلچکدای دیدین چندی بجانب
اوبه رفته مقیم و سپس بجانب هرات باز گشت نمود و آنانیسکه از پرده غنابایرون
آمده بودند بقتل رسانیده مراجعت نمودند پس از چندی شانزده تن از اهالی
هرات که بقلل مرتفعه جبال پناهنده شده بودند بشهر فرود آمده شهر نازنین و
دیار بهشت آمین خود را ویران و در هر نقطه سر نازنینی و در هر قدمی پیسکر

ماهر و ثنی افتاده دیدند اسامی این شانزده تن بقول اسفزاری قرار ذیل است اول
 مولانا شرف الدین خطیب جاغرغان (۲) فخر حداد (۳) و اصلیا مغلطه
 (۴) شهاب الدین کریم (۵) خواجه سوز (۶) رشید پورجی (۷) شمس داچ (۸) جمنزیه
 فوشجی (۹) مجید عصار (۱۰) عماد مالانی (۱۱) محمود سلیمان (۱۲) رزین الدین احتفایی
 (۱۳) علمشاه برمانی (۱۴) امیران سریر (۱۵) داود نجیب (۱۶) خدام الدین
 نظره . بیست و چهار نفر دیگر نیز از اطراف هری به آنان پیوستند و شرف الدین
 خطیب را بر خود رئیس قرار دادند و ستاحات معجز و کرامت جنتی را
 از اجساد شهدا تهی ساخته گنبدی مزار ملک غیاث الدین را که آباد مانده
 بود مسکن و پناه گاه خود ساختند تا سالی آسمان غبار آلود و هوا با غفولت
 و سطح اراضی اهرات را استخوانهای مردگان چون برف زمستانی پوشیده بود
 کاخان زیبا و قصور و عمارات بی همتا آنچه سوخته و ویران شده و اما بقای آن
 نیز در اثر برف و باران بهم پاشیده اهرات با آن زیبایی وضعی منحوس و مخوفی
 بخود گرفته بود امیر معزی نشا پوری نیز در سال ۱۳۵۰ امیر عز الدین
 جائیکه بودی گلرخان با دوستان در بوستان
 شد کرگ و رو به امکان شد گورو کرگس را وطن
 ابر است برجای قمر زهر است برجای شکر
 سنگست برجای گهر خارست بر جای سمن
 آری چو پیش آید قضا روا شود چون مرغوا
 جای شجر روید گریا جای طرب کیر دشمن
 کاخان که بودی چون از خرام زروی آن سمن
 دیوار را بینیم بخیم ماننده پشت نیمن
 تمثالهای بوالعجب حال آوریده بسی سبب لبش
 گوئی در دیدنای عجب پسر زن و حیرت پیرهن آید
 زمینسان که چرخ نیلگون کرد این سراهار انکون
 دبار کی کرده رکمون کرده دبار یاد بر لادن

از فضا نیکه بوی بجزور عودش دامن آسمان را معطر داشت ، از کساخان
 و عمارانیکه آهنگهای جانبخش عود و رودش گوش اجرام سماوی را بمیدان
 میاورد . دخان تیره عفونت و آوای جانخراش جفندان و بومان بشیر یا بلندی
 میشد آری معزی نشاپوری و جوهری زر گر هروی هر دو بیکدیگر در آغوش
 گرفته هریک بحال دیار و خویش نوحه سرائسی نموده اند (جوهری)
 زر گر هروی :

وادی هده کنلزار او گل رفته مانده خار او
 بام و درود دیوار او گشته شیا طین را مکان
 از شوره کرده پر نمک بوم و برش جور فلسک
 وز خارم کرده پر خشک بام و درش دور زمان
 گشته دیار او چمن ساکن در او زاغ وزغن
 چسبه در او کر کس وطن کرده در او جفد آشیان
 در مجلس او گونه کون طنبور ونای وارغنون
 در گلشن کز حد برون سوسن بدی و ارغوان
 و انکه در وغول دس هر شب دهد بانگ چرس
 بینی کسبیه خار و خس پر جای گل در گلستان
 آری هرات زیبا با جامع عالی آن باچنان حال اسف آور ویران و برخاک
 بکسان گردید انا لله وانا الیه راجعون .

ترمیم جامع هرات بعد از خوابی

چنانکه پیشتر قبل از ویرانی جامع هرات از ویرانی هری صحبت نموده شد
 اکنون نیز لازم است قبل از ترمیم جامع از آبادی هرات چیزی تذکار نمائیم .
 بعد از قتل و غارت و حشیانه مغول شهر زیبای هرات مدت ۱۵ سال چنان
 ویران بود که جز همان چهل تن فرزندان وفادار که هنوز کشور و وطن خود
 را ترک نگفته ب فکر آبادی آن بودند ، حیوانی و منشف دیگری در اینجا نبود . تنها
 شامگاهان آوای جفندان و بومان از کشتگر کساخان و قصور و یران شده بلند بود .

او کتای قآن فرزند بزرگ چنگیز که او را با اسلما تان محبتی بود بفکر آبادی هرات افتاد و سبب این اندیشه پسندیده این بود که وقتی چند طایفه جامعه دریافت مصور خسر و انه پیش او کتای قآن آوردند او کتای از زبانی و نفاست کمال هنر مندی که در آنها بسکار رفته بود متحیر بماند سپس از صنعت اگر کارگر آن جامعه های نفیس جو باشد بدو نمودند که هنگام تمخیر هرات ابن پلارچه ها بدست آمده اکنون رئیس جامعه بافان با اتباعش نزد ما اسپرند او کتای امیر عزالدین هروی رئیس جامعه بافان را نزدیک خوانده نوازش فرموده او و اتباعش را بسکار جامعه بافی مامور نمود چون پارچه چند بدست آمد رنگ و صفائی که مطلوب نظر قآن بود آن ها مشاهده یافتند پس قآن سبب آنرا چو باشد امیر عزالدین که مردی کار دیده بود فرصت را مقتنم شمرده بهرین رسانید که این رنگ و صفا خاصه آب و هوای هرات است و در جای دیگر میسر نمیشود پس قآن بفکر آبادانی هرات شد و امیر عزالدین را بانندی چند بهرات فرستاد تا پارچه چند در هرات تهیه نماید هر گاه رنگ و صفائی آن ظهورد بخورام افتد بقیه اتباع او را نیز بهرات فرستد و هرات را آباد سازد. در سال ۶۳۵ امیر عزالدین مقدم رئیس جامعه بافان بهرات رسیده شرف الدین خطیب جفر قآن که با چهل تن در هرات مقیم بودند باستقبال آنها شتافته بسکار رنگ را در آغوش گرفتند نخست در مسجد جامع در باره آبادی هرات مشوره فرموده بعداً بفکر آبادی هرات افتادند اگر چگونگی آبادی هرات و کیفیت زندگی خطیب جفر قآن و اتباعش تحریر شود سخن بطول می انجامد علی ای حال از همان سال هرات عزیز رو به آبادی نهاد تا زمان ملک غیاث محمد کورت جامع هرات نیز آباد گردید بقول بعضی از مورخین سلسله نسب ملوک کورت از طرف پدر به سنجری بن ملک شاه سلجوقی و از مادر پشاهان غوری میرسد بواسطه اختصار کلام از همه سلاطین و ملوک کورت تنها بذکر ملک غیاث الدین محمد کورت پرداخته میشود ملک غیاث الدین محمد مودی شجاع و بزرگ منش و عادل بود به سال ۷۰۷ بحکومت اسفراز و فرام و غور و غرچستان رسیده خود را بهرات رسانید بعد از مدت کمی بواسطه بعضی امور نزدیک الجایتو سلطان میبوه در ۷۰۵ پس بهرات آمده به تأمین عدالت و آبادانی

بهرات میادریت چینه بناهای خیر به از خود باقی گذاشته از آن جمله تعمیر و ترمیم
 جامع ملک غیاث الدین که بعد از ویرانی چنگیز جزا کسی همت به ترمیم آن
 ننگه داشته بود، ملک بعد از آبادی جامع بفکر خلاصی بعضی از بساط
 آن دست گرفته خراسان اقتباس بنیاد ملوک اطوار بفرا از هر ات
 دایره آن کرد سپس در سال ۷۲۸ ه. ق. از م. بیت الله الحرام کرده بعد از ادای حج
 بوزیرات و وضع نبوی صلی الله علیه و آله و سینه بهرات مراجعت نمود بر سال ۷۲۹
 م. ق. که باقی زاد داغ گفت و دل کیند مقبره ملک غیاث الدین غوری بهلوی آن
 پادشاه فیلسوف نهاد دفن شد. از آثار نفیس و خیریه این پادشاه عادل همین ترمیم جامع
 املک غوریست از آنجا که به ترمیم جامع ملک قبل از سفر بیت الله موفق گردیده
 بملکین است در همان سال ۷۱۵ که ملک غیاث الدین فوت ثانی بهرات آمده بود
 جامع ترمیم نموده باشد در تاریخ اسفزاری مستور است. از جمله
 عمارات خیرات که ملک غیاث الدین بدان موفق گشته عزت و استحکام
 بنام جامع بهرات است که از ابدام سلطان غیاث الدین محمد سام تا بروز کار
 بنام غیاث الدین هیچ کس بدان قایض نگشته بود و اکثر اطراف او مندرس
 نشده بود. ملک غیاث الدین بتوفیق سبحانی عمارت فرموده بنفس خود با تمامی
 شتاب و از آن گمان دولت و اعیان بهرات پنهان روز در درون مسجد جامع متوطن
 گشت و آثار مساعی بظهور آورده تا هر موضع که خراب شده بود استوار تر
 ناز بنای اول به حال عمارت باز آمد و بلاطیاف صنایع و غرایب نقوش و بدایع
 نیز داخل گشته (۱) تا این وقت مسجد جامع تزیین کاشی و مینا کاری نداشت
 بویز گیمات عصر ملک غیاث الدین محمد بن سام همه شبکه کاری و نقاری و کنده
 کاری روی لخت پنجه و آجر بون چنانچه آثار آن از زیر تزیینات عصر
 تملک کورت و ابر علی شیر هنگام ترمیم بیرون می آمد و نیز از رواق مقبره
 سلطان غورانی که بحال ویرانی و صورت غیر قابل ترمیمی تا این نزدیکی باقی
 و خطوط کوفی و نقوش نفیس که از آجر تراشیده و کاشی کاری نموده بودند
 دیده میماند را خیره می نمود در عصر ملک غیاث کرت کاشی فیروزه بر روی کار

آمده در و دیوار جامع مذکور بکاشی فیروزه‌عزین گردید ممکن است
 هر دو با نیکه تولی و ایلچیکدای آنانرا با سیری بختای برده صنعت اهاب و مینا را
 بروی خشتهای آجر از خطا آموخته و در زمان قان که پس بهرات آمده اند
 این فن را با خود آورده و در هرات رواج داده باشند. بعد از ملک غیاث‌الدین
 کرت در عصر ملک معز‌الدین حسین کرت نیز ترمیمات لازمه بعمل آمد و بعد
 از آن در زمان سلطنت امیر شاهرخ مرحوم امیر جلال‌الدین فیروز شاه نیز
 ترمیم لایق و شایسته باین بنای تاریخی نموده شد.

ترمیم امیر علی شبر نوائی

در زمان مرحوم سلطان حسین میرزا این بنای مستحکم تاریخی که
 چندین بار شکسته و بار ترمیم یافته بود باز شکستی بارگان
 آن بنا فته طاق ایوان مقصوره اش را شکستی فاحش و قبه آسمان
 گریه اش رخ بو برانی نهاده بود بنا بران مرحوم امیر علی شیر امیر دانشمند
 و هنر پرور هرات که بنسب یادگارهای عمرانی او در هرات تا اکنون باقی
 و پایدار است بفکر ترمیم اساسی این معبد مقدس افتاده بحضور سلطان دیبانت
 خواه مرحوم مشورت برد بعد از استشاره و اجازت ملوکانه در ماه رمضان
 سال ۹۰۳ شروع بکار نموده نخست گنبد بزرگ و ایوان مقصوره که
 شکستی فاحش با و رخ داده قابل ترمیم نبود باز نمرده دو ایوان دیگر
 در زمین و بسار ایوان بزرگ مقصوره تعمیر نمود. باین وسیله ایوان بزرگ
 مقصوره را قوتی کامل و استحکامی شامل آمد بلندای ایوان مقصوره
 از رفعت اصلی آن شش باهفت کر بلندتر شد مرحوم امیر علی شیر از نهایت
 توجه هر روزه به نفس نفیس بسر کار حاضر و نمایان و مهندسین را بنوازش ملوکانه
 سرافراز مینمود بعد از تکمیل تعمیر و ترمیم به تزئین و کاشی کاری
 و نقاشی این مقام پرداخته نقاشان هنرمند و خطاطان فاضل و کاشی تراشان
 ماهر و حجازان قابل رابنوازش قرار دادند و این کار تشویق فرموده
 خطاط و نقاش این بنای عظیم الشان مرحوم حیدر روح الله هر وی الاصل

المشتر بخواجه ميرك نقاش است خواجه ميرك مند كور نقاشی بی همتا و مصوری یگانه و کتیبه نویسی و خطاطی فررانه بود بهزاد مصور را در تربیت کرد و این افتخار خواجه ميرك را کافى است که استاد بهزاد به آن علو مقام و هنر مندی و نام بلند از شاگردان خواجه ميرك است مرحوم روح الله ميرك نخست یکتا بخانه امیر علی شیر بوظیفه نقاشی و خطاطی امرار حیات مینمود زمان تعمیر جامع بعهدۀ خطاطی و نقاشی اینجا بوده و از عهدۀ آن بخوبی برآمده کلیه کتیبه نثک جلی مسجد جامع هرات بدست سحر بنان و قلم خوش رقم این استاد فاضل انجام و کلیه نقوش و سلیبی کاشیهای این مقام از اثر طرا حی و قلم موی این مرد هنر مند است تا اکنون نیز نمونه خط و نقوش زیبای او از سمت جنوبی جامع شریف دیده ناظرین را خیره مینماید و امید است بقایای آثار نقاشی و خطاطی این نقاش و خطاط و مصور بی عدیل به حال خودش حتی الامکان نرمیم و حفظ شود مرحوم خواجه ميرك در هرات بسال سنه ۹۱۳ از دنیا رفته و در آغوش این خاک سپرده شده آخر الامر، صکار تعمیر و نرمیم اساسی جامع شریف در ذیل حمایت و کوشش بلا نهایتۀ مرحوم مقفور امیر علی شیر کار چند ساله در مدت ششماه انجام و در و دیوار و سقف و جدار آن بکاشی های ملون و نقوش مختلفه بدبعه و خطوط زیبا در مدت ششماه دیگر مزین و استوار و بالاخره بمدت یکسال کار چندین ساله را انجام نمودند.

گنبد آوامگاد ملک

بیشتر تذکار بافته بود که مرحوم ملک غیاث الدین گنبدی جهت دفن خودش در شمال این معبد ساخته و در آن مدفون گردیده این گنبد بزرگ و نفیس در شمال مسجد و در عقب ایوان شمالی واقع است مساحت آن طوریکه هنگام ویرانکردن بقایای ویرانه آن پیمایش گردیده متاسفانه در دست نیست

ارتفاع گنبد معلوم نیست زیرا گنبد مذکور در زلزله های پیش ویران شده بود. این کاخ زیبا و نفیس با وجودی که چند قرن است که سقف آن فرود آمده و پرف و باران زمستانی در و دیوار داخلی آن را شستو می نمود هنوز بقایای نقاشی و خطوط زیبای رقا و کوفی و معقلی آن که روی دیوار و طاقهای داخلی گنبد کج بری شده بود چشم ناظرین را خیره می ساخت متأسفانه دست حوادث از کان این کاخ عالی و بی نظیر را چنان در هم شکسته بود که بهیچ وجه و هیچ تدبیری اصلاح و ترمیم آن مقدور فکر بنایان و معماران و مهندسان ماهر نبود. در این عصر فرخنده یعنی زمان سلطنت اعلیحضرت جوان و جوانبخت محبوب ما خلد ملکه که جامع شریف بوضعی بهتر از اول ترمیم و تعمیر میشود. اساس گنبدی متین و نفیس بر روی قبر ملک معظم گذاشته اند و بیاری خدا و توجهات بلا نهایت جلاله تعالی محترم آقای عبدالله خان نایب الحکومه ناضل و فضل دوست هرات که ترمیمات جامع هرات نماینده احساسات پاک و وطن دوستی و دیانت او شایسته باندک فرصتی کار تعمیر آن بانجام خواهد رسید.

منبر سنگی

چون کار تعمیر و ترمیم آن انجام و در و دیوار آن بکاشی های رنگین مزین و در اخیر سال نهصد چهار از فرش ناسقف آن آراسته و از هر قصه و عیبی عاری و پیراسته گردید. منبر چوبین آن که از زمانه های ماضی باقی و مدروس گشته بود از حوم امیر بفسکر منبر جدیدی افتاد خواست منبر نفیس و متینی از سنگ مرمر ترتیب نماید لهذا سنگ بزرگ در خواب پیدا شد اصل سنگ را خریداری نموده بهرات آورده در اندرون جامع شریف او را تحت کار گرفتند استاد شمس الدین هروی حجار هنرمند که در عصر خودش نظیری نداشت سنگ مزبور را در هدتی منبر نفیس و زیبایی ساخت که در ربع مسکون نظیر آن مشاهده نمیشد این منبر سنگی در همان سال یعنی ۹۰۴ کار آن تمام و در کنار

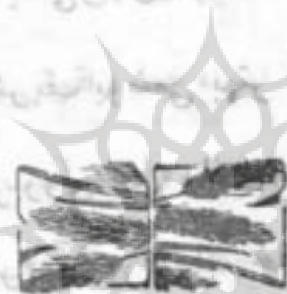
محراب ایوان مقصوره قرار گرفت (۱) امیر اختیار الدین حسین هرانی یکی از فضلاء نامدار تاریخ این منبر را چنین سروده نظم.

از همتی بزرگی شد منبر مکمل
کز غایت ترفع بر عرش سر کشیده
تاریخ این مایون منبر سرش گفتا
منبر زسنگ مرمر هرگز کسی ندیده (۲)

بالاخر در روز چهارشنبه چاردهم شعبان سال ۹۰۵ کار تعمیر و تزئین این جامع مبارک اتمام پذیرفته بود مرحوم امیر علی شیر ضیافتی بزرگ در داخل مسجد ترتیب داد (۳)

(باقی در آینده)

فکری سلجوقی



(۱) متأسفانه در اثر هتان کاشانی یعنی معروف به عیاش که این بنای مقدس رخ بویرانی و انهدام مینهاد. منبر نقبر سنگی نیز نابود گردید یعنی به تیشه جفا و سنگ جهالت قطعه قطعه گردید و نیز مشهور است که او را به گردونه بسته به تبریز نقل نمودند بهمه حال اکنون اثری از آن باقی نیست.

(۲) تاریخ انعام منبر سنگ مرمر همان سال ۹۰۴ یا ۹۰۵ بود اما از ماده تاریخ (منبر) زسنگ مرمر هرگز کسی ندیده) ۱۳۰۴ برمیاید و ممکن است ماده تاریخ چیز دیگری بوده و یا به تعبیر از آن چیزی کم میشده در خلاصه الاخبار ماده تاریخ مد کور چنین مسطور است - هرگز کسی ندیده منبر زسنگ مرمر تا تاریخ شد هما نسکو هرگز کسی ندیده - و از عروف (هرگز کسی ندیده) ۳۹۵ برمیاید و این تعداد را اگر از ۱۳۵۴ کم نمائیم باز هم ۹۰۹ باقی میماند و در این سال امیر علی شیر زنده نبوده و هم این تعداد کثیر از ماده تاریخ کم و زیاد کردن خیلی نازیبا بلکه قطعاً ناجایز است علی ای حال از صورت حال این ماده تاریخ نکارندم عاجز است (فکری)

(۳) خلاصه الاخبار تالیف غیث الدین خواوند میر هرانی نسخه خطی